



محمد مهدی فجری

بیماری، یکی از مسائلی است که همه انسانها با آن مواجه‌اند. بیماری در اسلام به عنوان زندان بدن و یکی از سخت‌ترین بلاها معرفی شده است؛ اما باید دانست این بلا که خواه ناخواه همه انسانها را در بر می‌گیرد، عوامل متعددی دارد که برخی از آن عوامل، شناخته شده و برخی ناشناخته‌اند.

بررسی سخنان معصومان علیهم‌السلام نشانگر آن است که بیماری در وجود

انسان حکمتها و مصالح متعددی دارد که برخی از آنها عبارت‌اند از:

#### ۱. مصلحت الهی

خداوند متعال با لحنی قاطع به انسانها خطاب می‌کند و به آنان تذکر می‌دهد که ملاک خیر و شر، آسانی و سختی و ... تمایلات شخصی نیست؛ بلکه مصالح واقعی، ملاک است و

۱. برخی از این عوامل، به عنوان علل بلاها و مصائب ذکر شده است؛ اما در اینجا به دلیل اهمیت آن علل درباره بیماری و نیز تصریح ائمه علیهم‌السلام آن، بدانها اشاره می‌شود.

شما در آن است و یا چیزی را دوست داشته باشید، حال آنکه شرّاً شما در آن است و خدا می‌داند، و شما نمی‌دانید.»

رسول خدا ﷺ: «قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ... إِنَّ مِنْ عِبَادِي مَنْ لَا يُصْلِحُهُ إِلَّا الصَّحَّةُ وَكَوْ أَمْرَضْتَهُ لَأَفْسَدَهُ ذَلِكَ وَإِنَّ مِنْ عِبَادِي مَنْ لَا يُصْلِحُهُ إِلَّا الْمَرَضُ وَكَوْ أَصْحَخْتُ جِسْمَهُ لَأَفْسَدَهُ ذَلِكَ»<sup>۱</sup> خداوند متعال می‌فرماید: به درستی که در بین بندگانم، کسی هست که تنها سلامتی او را اصلاح می‌کند و اگر او را مریض گردانم، این مریضی او را فاسد می‌نماید و از بندگانم، کسی هست که تنها مریضی او را اصلاح می‌کند و اگر جسم او را سالم گردانم، این سلامتی او را فاسد می‌کند.»

## ۲. کفاره گناهان

در اسلام، راههای مختلفی برای محو گناهان معرفی شده است که

تکیه بر پیشداوریها و حدسیات و ظواهر، صحیح نیست؛ چرا که علم انسان از هر نظر، محدود و ناچیز است و معلومات او در برابر مجهولاتش، همچون قطره‌ای در برابر دریاست؛ همان‌گونه که انسان از اسرار آفرینش مطلع نیست و با تمامی پیشرفتهای علمی که به آن دست یافته است، گاه برخی از آن اسرار را بی‌فایده، و بی‌خاصیت می‌شمرد؛ همچنین در قوانین تشریحی از بسیاری مصالح و مفاسد ناآگاه است؛ از این رو ممکن است چیزی را ناخوشایند دارد؛ در حالی که سعادت او در آن است یا از چیزی خشنود باشد؛ در حالی که بدبختی وی در آن است. قرآن کریم می‌فرماید: «عَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئاً وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئاً وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»<sup>۱</sup> «چه بسا چیزی را خوش نداشته باشید، حال آنکه خیر

۲. الأمالی، شیخ طوسی، انتشارات دار الثقافة، قم.

۱۴۱۴ق، ص ۱۶۶.

۱. بقره/۲۱۶.

به سبب گناهش، و آنچه خدا از او می‌بخشد بیش‌تر است.»

به همین علت است که رسول خدا ﷺ تأکید می‌کرد که چهار نفر هستند که اعمال خویش را در حالی که هیچ گناهی برای آنان باقی نمانده است، از نو آغاز می‌کنند: یکی از آنان بیمار، پس از بهبودی است.<sup>۵</sup>

امام زین‌العابدین علیه السلام به بیماری که شفا یافته بود، فرمود: «يَهْنُوكَ الطَّهْوَرُ مِنْ الذُّنُوبِ إِنَّ اللَّهَ قَدْ ذَكَرَكَ فَادْكُرْهُ وَ أَقَالَكَ فَاشْكُرْهُ»<sup>۶</sup> پاک شدن از گناهان، بر تو مبارک باد؛ خداوند تو را یاد کرده است، پس او را یاد کن. و از تو در گذشته است، پس او را سپاس گوی.»

همچنین در سخنان پیشوایان معصوم علیهم السلام بیماری فرزند نیز کفاره گناهان والدین معرفی شده است. شاید دلیل آن این است که در زمان بیماری فرزند، والدین بیش از کودک،

استغفار فراوان،<sup>۱</sup> گرفتاریهای دنیوی<sup>۲</sup> و بیماری برای انسان مؤمن از آن نمونه است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله بیماری را کفاره‌ای برای گناهان معرفی می‌کند و می‌فرماید: «مَنْ مَرَضَ سَبْعَةَ أَيَّامٍ مَرَضًا سَخِينًا كَفَّرَ اللَّهُ عَنْهُ ذُنُوبَ سَبْعِينَ سَنَةً»<sup>۳</sup> هر کس هفت روز به شدت بیمار باشد، خداوند، گناه هفتاد سال او را می‌آمرزد.»

امام سجاد علیه السلام نیز می‌فرماید: «مَا اخْتَلَجَ عِرْقٌ وَلَا صُدْعٌ مُؤْمِنٌ إِلَّا بِذَنْبِهِ وَمَا يَغْفُو اللَّهُ عَنْهُ أَكْثَرُ»<sup>۴</sup> هیچ مؤمنی دچار ضربان رگ و سردرد نمی‌شود؛ مگر

۱. تحف العقول، حسن بن شعبه حرانی، انتشارات جامعه مدرسین، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق، ص ۲۹۸.

۲. تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام، انتشارات مدرسه امام مهدی علیه السلام، قم، ۱۴۰۹ ق، ص ۲۳.

۳. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ ق، ج ۵۹، ص ۳۰۱.

۴. مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، قم، چاپ اول، ج ۲، ص ۵۴.

۵. همان، ص ۶۱.

۶. تحف العقول، ص ۲۸۰.

آزمایش می‌کند تا اندازه صبر و تسلیم آنها در برابر خواست او آشکار شود. خداوند متعال در سوره بقره

می‌فرماید: ﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ﴾<sup>۳</sup> «قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، و کاهش در مالها و جانها و میوه‌ها، آزمایش می‌کنیم و به استقامت کنندگان بشارت ده»

رسول خدا ﷺ از قول خداوند عزوجل می‌فرماید: «... إِنَّ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ لَعِبَادًا لَا يَضِلُّ لَهُمْ أَمْرٌ دِينِهِمْ إِلَّا بِالْفَاقَةِ وَالْمَسْكِنَةِ وَالسُّقْمِ فِي أَيْدِيهِمْ فَأَبْلُوهُمْ بِالْفَاقَةِ وَالْمَسْكِنَةِ وَالسُّقْمِ فِي أَيْدِيهِمْ فَيَضِلُّ عَلَيْهِمْ أَمْرٌ دِينِهِمْ»<sup>۱</sup> ...

برخی از بندگان مؤمنم، بندگانی هستند که امور دینشان اصلاح نمی‌شود؛ مگر با فقر و پریشانی و یا

اذیت می‌شوند و خداوند متعال، این ناراحتی را با پاک کردن گناهان آنان جبران می‌کند.<sup>۱</sup>

### ۳. رحمت الهی

گاهی بیماری علاوه بر از بین بردن گناهان، مایه تطهیر و رحمت برای مؤمن می‌باشد.

امام علی بن موسی الرضا عليه السلام می‌فرماید: «الْمَرَضُ لِلْمُؤْمِنِ تَطْهِيرٌ وَرَحْمَةٌ وَلِلْكَافِرِ تَعْذِيبٌ وَلَعْنَةٌ وَإِنَّ الْمَرَضَ لَا يَزَالُ بِالْمُؤْمِنِ حَتَّىٰ لَا يَكُونَ عَلَيْهِ ذَنْبٌ»<sup>۲</sup> بیماری برای مؤمن، مایه پاک‌ی و رحمت و برای کافر، مایه عذاب و لعنت است. بیماری پیوسته با مؤمن همراه خواهد بود تا بر او گناهی نباشد.

### ۴. آزمایش

یکی از حکمت‌های الهی، این است که با سختیها و بلاها، بندگانش را

۱. الکافی، ج ۶، ص ۵۲.

۲. وسائل الشیعة، حر عاملی، مؤسسه

آل‌البيت عليهم السلام قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ق، ج ۲،

ص ۴۰۱.

۳. بقره/۱۵۵.

۱. الکافی، ثقة الاسلام کلینی، دار الکتب

الإسلامیة، تهران، ۱۳۶۵ش، ج ۲، ص ۶۰.

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «الْمَرَضُ سَوْتُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ يُؤَدَّبُ بِهِ عِبَادَهُ؛<sup>۲</sup> بیماری، تازیانه خداوند در زمین است که به وسیله آن، بندگانش را تأدیب می‌کند.»

در سیره ائمه اطهار عليهم السلام آمده است که هر گاه بیمار می‌شدند، می‌فرمودند: «اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ أَدَبًا لَا غَضَبًا؛<sup>۱</sup> خدایا این بیماری را سبب تأدیب قرار بده؛ نه خشم و غضب.»

#### ۶. اجر و پاداش

یکی از مهم‌ترین عوامل بیماری، اجر و پاداشی است که خداوند متعال برای برخی از انسانها در نظر گرفته است. خداوند متعال برای آنکه انسانهای مؤمن را از گناه و خطا پاک کند و در عوض، اجر و پاداش بسیار، نصب آنان کند، ایشان را به بیماریهای سخت مبتلا می‌کند.

بیماری در بدنهایشان. من آنها را به فقر و پریشانی و بیماری در بدنهایشان گرفتار می‌کنم تا امر دین آنان اصلاح شود.»

#### ۵. تأدیب

در بسیاری از اوقات، بیماری و رنج، سبب بیدار شدن انسان از خواب غفلت است. گاهی فرد، چنان مشغول دنیا می‌شود که خدا و مرگ را نیز فراموش کرده، جز مادیات و تمتعات دنیوی هیچ چیز دیگر را نمی‌بیند. اینجا است که خداوند متعال، انسانهای مؤمن را به وسیله بیماری، تأدیب می‌کند و آنان را از خواب غفلت بیدار می‌سازد؛ چه بسیارند کسانی که از این زنگ خطر به هوش نمی‌آیند و به قول قرآن، ایشان در واقع، کر و لال و نابینا هستند؛ از اینرو چیزی نمی‌فهمند: «صُمُّ بَكْمُ عُمَى

فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ»<sup>۱</sup>

۲. کنز العمال، حسام الدین هندی، صفوة السقا،

الرساله، بیروت، ۱۴۰۵ ق، ج ۲، ص ۳۰۶.

۱. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۲۰۶.

۱. بقره/۱۷۱.

با خود گفتم: «چرا امام این سخن را فرمود، با اینکه قبلا سخن از بلا در میان نبود؛ یعنی امام به چه مناسبتی این جمله را فرمود؟»

با امام خداحافظی کردم و از محضرش بیرون آمدم و خود را به همسفران و دوستانم رساندم.

ناگهان احساس کردم پاهایم درد می‌کند. شب را با سختی به سر آوردم. صبح که شد دیدم پاهایم ورم کرده‌اند و پس از مدتی، ورم شدیدتر شد، به یاد سخن امام افتادم که درباره صبر بر بلا سفارش کرد.

با این وضع به مدینه رسیدم. زخم بزرگی در پایم پیدا شد و چرک زیادی از آن بیرون آمد. آن چنان دشوار بود که امانم را از من گرفت. دریافتم که امام، آن سخن را برای چنین پیش‌آمدی که برایم رخ می‌دهد فرمود تا با صبر، آرامش خود را حفظ کنم. حدود ده ماه برای این مرض بستری بودم.

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «عَجِبْتُ لِلْمُؤْمِنِ وَ جَزَعِهِ مِنَ السُّقْمِ وَ لَوْ عَلِمَ مَا لَهُ فِي السُّقْمِ لَأَحَبَّ أَنْ لَا يَزَالَ سَقِيمًا حَتَّى يَلْقَى رَبَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ»<sup>۱</sup> در شگفتم از مؤمن و بی‌تابی او از بیماری، [چرا که] اگر می‌دانست چه [اجر و پادشاهی] برای او در بیماری وجود دارد، هر آینه دوست داشت همیشه بیمار باشد تا زمانی که [بمیرد و] پروردگارش را ملاقات کند.»

ابو محمد رقی می‌گوید که به محضر امام رضا علیه السلام رفتم و سلام کردم. آن حضرت جواب سلامم را داد و ضمن احوالپرسی با من فرمود: «ای ابا محمد! خداوند هر بنده مؤمنی را به بلایی گرفتار می‌کند. هر کسی بر آن بلا، تحمل و صبر کند، قطعا در پیشگاه خدا همانند پاداش شهید را خواهد داشت.»

۱. الأمالی، شیخ صدوق، انتشارات کتابخانه اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۶۲ش، ص ۵۰۱.

روایت کننده گوید: او پس از مدتی، سلامتی خود را بازیافت و سپس بار دیگر مریض شد و به آن مرض مرد.<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام در بیان برخی از پادشاهای بیماری می‌فرماید: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا حُمَّ حُمِّيَّ وَاحِدَةً تَنَاسَرَتْ الذُّنُوبُ عَنْهُ كَوَرَقِ الشَّجَرِ فَإِنْ أَنْ عَلَى فِرَاشِهِ فَأَنِينُهُ تَسْبِيحٌ وَ صِيَاخُهُ تَهْلِيلٌ وَ تَقْلُبُهُ عَلَى فِرَاشِهِ كَمَنْ يَضْرِبُ بِسَيْفِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِنْ أَقْبَلَ يَعْبُدُ اللَّهَ كَانَ مَغْفُوراً لَهُ وَ طُوبَى لَهُ وَ حُمِّي يَوْمَ كَفَّارَةِ سَنَةٍ فَإِنَّ أَلَمَهَا يَبْقَى فِي الْجَسَدِ سَنَةً وَ هِيَ كَفَّارَةٌ لِمَا قَبْلَهَا وَ مَا بَعْدَهَا»<sup>۲</sup> به درستی که مؤمن

هر گاه یک بار تب می‌کند، گناهانش چون برگ درخت می‌ریزد. پس اگر در بستر ناله کند، ناله‌اش، [مانند] «تسبیح» و فریادش [مانند] «لا اله الا

الله» است و جابه‌جا شدنش در بستر، مانند کسی است که در راه خدا شمشیر می‌زند. پس اگر آن مریضی را بپذیرد [همانند آن است که] خداوند را عبادت می‌کند؛ در حالی که خداوند نیز او را بخشیده است و خوشا به حال او، و تب یک روز کفاره یک سال گناه است؛ زیرا نقاحت و آثارش تا یک سال در بدن باقی می‌ماند. پس کفاره برای گناهان قبل آن سال و بعد آن می‌شود.»

به همین دلیل، وقتی عبدالله بن ابی یعفر از بیماری و دردهای فراوان خویش به امام صادق علیه السلام شکایت می‌کند، امام علیه السلام می‌فرماید: «يَا عَبْدَ اللَّهِ لَوْ يَعْلَمُ الْمُؤْمِنُ مَا لَهُ مِنَ الْجَزَاءِ فِي الْمَصَائِبِ لَتَمَنَّى أَنَّهُ قُرْضَ بِالْمَقَارِضِ»<sup>۱</sup> ای عبدالله! اگر مؤمن می‌دانست در مصیبت‌ها چه پاداشی عایدش می‌شود؛ هر آینه آرزو می‌کرد با قیچی تکه تکه

شود.»

۱. بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۵۱.

۲. عدة الداعي، ابن فهد حلی، دار الکتب

الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۷ق، ص ۱۲۷.

۱. الکافی، ج ۲، ص ۲۵۵.

## ۷. تَقَرَّبَ به پروردگار

به درستی که هر گاه مرضی به مؤمن برسد، سپس خداوند متعال، عافیت را به وی باز گرداند، این درد، کفاره گناهان گذشته او و اندرزی برای آینده وی خواهد بود و هر گاه منافق بیمار شود و سپس سلامتی به او باز گردانده شود، مانند شتری است که صاحبانش او را بسته‌اند و سپس او را باز کرده‌اند؛ که نه درک می‌کند برای چه او را بستند و نه می‌فهمد که چرا او را رها کردند.»

حیرت و زاری که در بیماری است وقت بیماری همه بیداری است در زمان درد و غم یادش کنی

چون شدی خوش باز بر غفلت تنی  
آن زمان که می‌شوی بیمار تو  
می‌کنی از جرم، استغفار تو  
می‌نماید بر تو زشتی گنه  
می‌کنی نیت که باز آییم به ره  
عهد و پیمان می‌کنی که بعد از این  
جز که طاعت نبودم کاری گزین  
پس یقین گشت آنکه بیماری ترا  
می‌بخشد هوش و بیداری تو را  
پس بدان این اصل را ای اصل جو

طبق تعالیم نورانی اسلام، خداوند متعال اراده می‌کند که درجاتی را به انسان ارزانی کند که انسان جز با بلا و یا مرض و بیماری به آن نمی‌رسد. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «إِنَّ الرَّجُلَ لَيَكُونُ لَهُ الدَّرَجَةُ عِنْدَ اللَّهِ لَا يَبْلُغُهَا بِعَمَلِهِ يُبْتَلَى بِبَلَاءٍ فِي جِسْمِهِ فَيَبْلُغُهَا بِذَلِكَ؛<sup>۱</sup> انسان، گاه دارای مرتبه‌ای در پیشگاه خداوند است که با عمل خویش بدان نمی‌رسد تا آن هنگام که به ابتلای در جسم خود آزموده شود و بدین سبب بدان مرتبه برسد.»

## ۸. مایه اندرز

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا أَصَابَهُ السَّقَمُ ثُمَّ أَعْفَاهُ اللَّهُ مِنْهُ كَانَ كَفَّارَةً لِمَا مَضَى مِنْ ذُنُوبِهِ وَ مَوْعِظَةً لَهُ فِيمَا يَسْتَقْبِلُ، وَإِنَّ الْمُنَافِقَ إِذَا مَرَضَ ثُمَّ أَعْفَى كَانَ كَالْبَعِيرِ عَقَلَهُ أَهْلُهُ، ثُمَّ أُرْسِلُوهُ، فَلَمْ يَدْرِ لِمَ عَقَلُوهُ، وَ لَمْ يَدْرِ لِمَ أُرْسِلُوهُ؛<sup>۲</sup>

۱. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۵۶.

۲. کنز العمال، ج ۳، ص ۳۰۷، ش ۶۶۸۶.



می‌گیری و دعایت در آن حال مستجاب است و بیماری، گناهی برای تو باقی نمی‌گذارد و همه گناهان تو می‌ریزد. خداوند تا پایان عمر تو را از نعمت عافیت برخوردار فرماید.»

ممکن است سؤالی به ذهن متبادر شود که چگونه رسول خدا ﷺ پس از ذکر ویژگیهای مریض، برای سلمان دعا می‌کند که تا پایان عمر سالم باشد و مریض نشود؟

شاید رسول خدا ﷺ منظورش از این دعا، این بوده که هیچ‌گاه سلمان از توجه ویژه خدا و اجابت دعا، در حال سلامت بی‌بهره نباشد و هیچ‌گاه در حال سلامت مرتکب گناه نشود، تا لازم باشد برای نیل به توجه خداوند، اجابت دعا و آمرزش گناهان، به مریضی مبتلا یابد.

به سبب مستجاب بودن دعای مریض است که معصومان عليهم السلام به بیماران سفارش کرده‌اند تا در حق عیادت کنندگان دعا کنند و دستور

هر که را درد است او برده است بو هر که او بیدارتر، پردردتر هر که او آگاه‌تر، رخ زردتر  
**عنايت الهی**

بسیاری از عوامل بیماری که ذکر شد مایهٔ رحمت و بخشایش مؤمن است؛ اما خداوند متعال دو نوع توجه و عنایت دیگر به بیمار مؤمن می‌نماید.

#### اول: اجابت دعا

یکی از عنایات ویژه خداوند متعال به انسان بیمار، استجاب دعا است. رسول خدا ﷺ به سلمان می‌فرماید: «يَا سَلْمَانَ إِنَّ لَكَ فِي عِلَّتِكَ إِذَا اغْتَلَّتْ ثَلَاثَ خِصَالٍ أَنْتَ مِنَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِذِكْرٍ وَدُعَاؤِكَ فِيهَا مُسْتَجَابٌ وَلَا تَدْعُ إِلَيْكَ ذَنْبًا إِلَّا حَطَّتْهُ مَتَّعَكَ اللَّهُ بِالْعَافِيَةِ إِلَى انْقِضَاءِ أَجَلِكَ»<sup>۱</sup> ای سلمان! در زمان بیماریات سه خصلت همراه تو است: مورد توجه خاص خداوند قرار

۱. من لا يحضره الفقيه، شيخ صدوق، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۳۷۵.

الهی شامل حال آنان می‌شود و بهترین اعمالی که در زمان سلامت انجام می‌داده‌اند، در زمان بیماری نیز برای آنان می‌نویسند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید که روزی پیامبر صلی الله علیه و آله سرش را به سوی آسمان بلند کرد و خندید، شخصی پرسید: «سر مبارک را به آسمان بلند کردید و خندیدید، علتش چه بود؟»

فرمود: «خنده‌ام به علت تعجب از دو فرشته‌ای بود که از آسمان به سوی زمین آمدند و در جستجوی مؤمن صالح بودند که همیشه او را در مصلاهی (محل نماز) خود می‌دیدند تا اعمال او را بنویسند، و به سوی آسمان ببرند. این بار او را در محل نماز خودش ندیدند. پس به سوی آسمان عروج کردند و به خدا عرض کردند: پروردگارا! بنده تو، فلانی را در محل نمازش ندیدیم تا اعمال نیکش را بنویسیم؛ بلکه او را در بستر بیماری دیدم.

داده‌اند اگر بیماران برای عیادت‌کنندگان دعا نکردند، آنها را به دعا کردن، امر کنید.

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «إِذَا دَخَلْتَ عَلَى مَرِيضٍ فَمُرَّهُ أَنْ يَدْعُوَ لَكَ؛ فَإِنَّ دُعَاءَهُ كَدُعَائِ الْمَلَائِكَةِ؛<sup>۱</sup> زمانی که بر مریضی وارد می‌شوی، از او بخواه تا برایت دعا کند که دعای او همانند دعای ملائکه است.»

بیا از مریضان، تو دیدن نمای بگو تا کنند از برایت دعای که باشد دعاهايشان مستجاب نیاید گناهانشان در حساب

دوم: نوشتن بهترین اعمال

یکی از ویژگیهای انسانهای مؤمن، اعمال شایسته‌ای است که در زمان صحت و سلامتی انجام می‌دهند؛ اما در زمان بیماری که برخی اوقات، ماهها به طول می‌انجامد، در بستر بیماری می‌مانند و قادر به هیچ کاری نیستند. در این حال، لطف و عنایت

۱. سنن، ابن ماجه، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقي، دار الفکر، ج ۱، ص ۴۶۳.

خداوند به آنها فرمود: برای بندهام تا وقتی که بیمار است مثل آنچه در حال سلامتی از کارهای نیک در شبانه روز انجام می‌داده است، بنویسید. بر من است تا او در حال بیماری است، پاداش اعمال خیری که هنگام صحت و سلامتی انجام می‌داده است را بنویسم.<sup>۱</sup>

خلاصه هر آنچه از ثمره بیماری به مؤمن برسد قابل سپاس و شکرگزاری از محضر قادر متعال است.

در صحیفه سجاده آمده است که امام سجاد علیه السلام هنگامی که بیمار می‌شد یا اندوه و یا گرفتاری به آن حضرت رو می‌آورد، این‌گونه با پروردگار راز و نیاز می‌کرد.

«بار خدایا! ستایش، مخصوص تو است؛ بر آنچه که همواره از آن برخوردار بوده‌ام و آن تندرستی و سلامت بدنم بوده است و ستایش خاص تو است برای این بیماری که

در بدنم پدید آورده‌ای. بار الها! من نمی‌دانم کدام یک از این دو حالت به شکر تو سزاوارتر است و کدام یک از این دو وقت برای ستایش تو اولی است؟ آیا هنگام صحت که روزیهای پاکیزه‌ات را در آن بر من گوارا ساخته و برای رسیدن به خشنودی و فضلت به وسیله آن به من نشاط بخشیده و برای انجام فرمانت که توفیقش را عنایت کرده و با آن مرا نیرومند ساخته‌ای؟ یا زمان بیماری که مرا به وسیله آن، خالص ساخته و نعمتهایی که به رسم هدیه بر اثر آن برایم فرستاده‌ای تا تخفیفی برای خطاهایی باشد که بر دوشم سنگینی می‌کنند و وسیله تطهیر و پاکیزگی از بوهایی باشد که در آن فرو رفته‌ام و هشدار برای دست یافتن به توبه و یادآوری نعمت پیشین و از بین بردن گناهان بزرگ باشد؟ در خلال این بیماری، الطافی است که از ناحیه کاتبان اعمال در کارنامه عملم ثبت شده است؛ همان اعمال ستوده‌ای که در اندیشه کسی نگذشته و هیچ زبانی به آن گویا

نشده و هیچ اندامی برای انجام آن به زحمت نیافتاده است؛ بلکه همه اینها تفضلی از ناحیه تو به من و احسانی از تو به من است. بار خدایا! بر محمد و آلش درود فرست و آنچه را برایم پسندیده‌ای محبوب من قرار بده و آنچه را بر من وارد ساخته‌ای بر من آسان فرما و مرا از آلودگیهایی که از پیش به وجود آورده‌ام پاکیزه فرما و شر آنچه را که قبلاً انجام داده‌ام از من بگیر و شیرینی و گوارایی تندرستی را به من بچشان و حال که شفایم می‌دهی، مرا با گذشت خود همدم کن و بر آمدن از بیماری را به سوی عفو قرار ده و رهایی‌ام از اندوه را به سوی گشایش، و سلامت و تندرستی‌ام را از این شدت، به سوی فرج خود قرار ده؛ زیرا تفضلت از روی احسان و بخشندگی‌ات بسیار و از روی امتنان است و تو بخشنده کریم و صاحب جلال و اکرامی.<sup>۱</sup>

البته ذکر این نکته ضروری است که در مقابل تمامی پادشاهی‌ها که درباره بیماری مؤمن به ما رسیده است، احدی حق ندارد از خداوند بیماری درخواست کند؛ بلکه تمام دستورهای اسلام برای سلامتی تن است و روایات و ادعیه پیشوایان معصوم علیهم‌السلام بر دعا برای عافیت و صحت و سلامتی تأکید دارد.

چنان‌که روزی رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله برای عیادت بیماری بر بستر او حاضر شد و از او احوال‌پرسی کرد. آن بیمار عرض کرد: «نماز مغرب را به امامت شما به جا آوردم و شما در نماز، سوره قارعه را خواندید. پس از آن با خود گفتم: پروردگارا! اگر من گناهی کرده‌ام که می‌خواهی در آخرت مرا به کیفر آن برسانی از تو می‌خواهم که تعجیل کنی و در دنیا مرا پاک فرمایی. پس از این دعا بود که چنین بیمار شدم.»

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به او فرمود:  
 «بِسْمِ اللَّهِ قُلْتَ أَلَّا قُلْتَ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا

۱. صحیفه سجاده، دعای پانزدهم.

میانه‌ای را خواستارم. گاه بیمار شوم تا شکر تو گویم و گاه تندرست باشم تا شاکر تو باشم.

امیرمؤمنان علیه السلام نیز چنین دعا می‌کند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ ... مِنْ سَقَمٍ يَشْغَلُنِي وَمِنْ صِحَّةٍ تَلْهِيَنِي؛<sup>۱</sup> خداوندا! به تو پناه می‌برم ... از درد و رنجی که مرا به خویش مشغول سازد و از صحت و سلامتی که مرا سرگرم کند.» ادامه دارد ...



حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ؛<sup>۱</sup> چیز بدی خواسته‌ای؛ چرا چنین دعا نکردی که پرورگار! نیکی دنیا و آخرت را نصیب ما کن و ما را از عذاب دوزخ نگاه‌دار.» پس از آن رسول خدا صلی الله علیه و آله برای آن مرد بیمار دعا کرد و او بهبود یافت.

بنابراین نه مطلق بیماری را اسلام تأیید می‌کند و نه مطلق تندرستی شایسته انسان مؤمن است. به همین علت، حضرت موسی علیه السلام در دعای خویش، این‌گونه از خداوند طلب می‌کند: «يَا رَبِّ لِمَا مَرَضْتُ يُضْنِينِي وَلِمَا صِحَّةٌ تُنْسِينِي وَلَكِنْ بَيْنَ ذَلِكَ أَمْرٌ تَارَةً فَأَشْكُرُكَ وَأَصْبَحُ تَارَةً فَأَشْكُرُكَ؛<sup>۲</sup> پروردگام! نه آن بیماری [را می‌خواهم] که مرا زمینگیر کند و نه آن تندرستی [را طلب می‌کنم] که به فراموشی تو منجر شود؛ بلکه حالت

۱. بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۷۴.

۲. ارشاد القلوب، حسن بن ابی الحسن دیلمی، دو جلد در یک مجلد، انتشارات شریف رضی، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق، ج ۱، ص ۴۲.

۱. مهج الدعوات، سید علی بن موسی بن طاووس، انتشارات دار الذخائر، قم، ۱۴۱۱ ق، ص ۱۰۱.